

\* \* \*

## شناسائی صاحبان شعر «لاادری»

شاعر نکته‌سنج لطیفه‌سرا آقای ابراهیم صهبا اخیراً کتابی تألیف کرده‌اند بنام حکیم لاادری در این کتاب اشعاری را که در کتابها بنام لاادری نام برده می‌شود و معمولاً شاعران آنها مشخص نیست جمع‌آوری کرده‌اند. این کتاب از لحاظ آنکه مجموعه‌ای از اینگونه اشعار را در خود دارد در خور توجه است اما از لحاظ آنکه بیانگر آنستکه در قلمرو شعر فارسی علیرغم گستردگی دامنه آن نسبت به جستن نام شاعران اینگونه اشعار و حفظ امانت‌های ادبی آنان التفات شده و حساسیت نشان داده می‌شود در خورد توجه بیشتر است. آقای صهبا در پایان کتاب درخواست کرده‌اند که کسانی که از شاعران این اشعار اطلاعی دارند تذکر دهند. اینجانب نام برخی از شاعران و شعر آنان را با ذکر مأخذ ذکر می‌کنم باین امید که اولاً در تجدید چاپ کتاب این اشعار حذف و اشعار مجهول دیگری اضافه شود و بتدریج شاعران آنها نیز مشخص گردد ثانیاً کتاب فصل‌بندی شده و برای آن فهرست و اعلام نیز تهیه شود با آرزوی توفیق برای آقای صهبا اینک اشعار:

۱- شعر ص ۶۳،

در این گلشن من آن حسرت‌نگر مرغ گرفتارم که گاهی از شکاف باغ بیند آشیانش را  
از طبری اصفهانی است ۱

۲- شعر ص ۶۳،

خواهی ار بی زحمت دمی کنی صید ای پسر یک ره ای صیاد سوی آشیان من بیا  
از حشمت قاچار است ۲

۳- شعر ص ۶۴،

ندهی داد، داد کس مستان انگبین‌خر مباحش وزیر فروش  
از معنوی بخاری است ۲

۴- شعر ص ۶۵،

می‌خواهم از خدا بدعا صد هزار جان تا صد هزار بار بمیرم برای تو  
از هلالی جغتانی است ۲

۵- شعر ص ۶۵،

گر بخارد پشت من انگشت من خم شود از بار منت پشت من  
همتی گو تا نخارم پشت خویش وارهم از منت انگشت خویش

از صفی اصفهانی است ۵

۶- شعر ص ۶۶،

بهای یوسف کنعانی از زلیخا پرس ک قدر و قیمت هر جنس مشتری‌داند  
از صحبت لاری است ۶

۷- شعر ص ۶۷،

- بصورتی که ترا کمتر آفریده خدا  
از محمدقلی سلیم تهرانی است ۷  
۸- شعر ص ۷۰،
- کافران از بیت بیجان چه توقع دارند  
از سعدی است ۸  
۹- شعر ص ۷۰،
- یکتن از خوبان گندمگون نصیب ما نشد  
از ادهم ترکمان است ۹  
۱۰- شعر ص ۷۱،
- من زین دو روز عمر برنجم چه می‌کند  
از خان میرزا است ۱۰  
۱۱- شعر ص ۷۳،
- گفتم چشمم گفت بسراش میدار  
گفتم که دلم گفت چه داری در دل  
از مولوی است ۱۱  
۱۲- شعر ص ۷۶،
- راه پنهانی میخانه ندانند همه کس  
از فرهنگ شیرازی است ۱۲  
۱۳- شعر ص ۷۶،
- بفصل گل ستم باغبان نگر که برید  
از فلائی اردستانی است ۱۳  
۱۴- شعر ص ۷۹،
- بشوی اوراق اگر همدرس مائی  
شعر معروف حافظ است ۱۴  
۱۵- شعر ص ۷۹،
- رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست  
از سلمان ساوجی است ۱۵  
۱۶- شعر ص ۸۰،
- به‌بین شرافت میخانه مرا ای شیخ  
از قآنی است ۱۶  
۱۷- شعر ص ۸۰،
- نه در مسجد گذارندم که رندی  
از شیخ احمد جام است ۱۷  
۱۸- شعر ص ۸۰،
- ترا کشیده و دست از قلم کشیده خدا  
باری آن بت بپرستند که جانی دارد  
ما سیه‌بختان مگر اولاد آدم نیستیم  
بیچاره خضر زندگی جاودانه را  
گفتم جگرم گفت: بر آهش میدار  
گفتم غم‌تو گفت: نگاهش میدار  
جز من زاهد و شیخ و دوسه‌سواى دگر  
همان درخت که برشاخش آشیانه ماست  
که علم عشق در دفتر نباشد  
میبرد هر جا که خاطر خسواه اوست  
که چون خراب‌شود خانه خدا می‌گردد  
نه در میخانه کاین خمار خام است

- مور تواند که سلیمان شود  
 همت اگر سلسله چنبران شود  
 از وحشی یافقی است ۱۸  
 ۱۹- شعر ص ۸۲،  
 همچو فرهاد بود کوه کنی پیشه ما  
 سنگ ما شیشه ما ناخن ما تیشه ما  
 از ادیب نیشابوری است ۱۹  
 ۲۰- شعر ص ۸۲،  
 لاله نبود کز کنار بیستون سر میزند  
 دست خون آلود فرهاد است بر سر میزند  
 از نجاتی است ۲۰  
 ۲۱- شعر ص ۸۳،  
 در نومیدی بسی امید است  
 پایان شب سیه سپید است  
 از نظامی گنجوی است ۲۱  
 ۲۲- شعر ص ۸۳،  
 گفتم که دلم هست به پیش تو گرو  
 دل بازده آغاز مکن قصه نو  
 افکنده هزار دل ز هر حلقه زلف  
 گفتا دل خود بجوی بردار و برو  
 از امینی کومنج کاشانی است ۲۲  
 ۲۳- شعر ص ۸۳،  
 مرد فلانی نه همانا که مرد  
 مردن آن خواجه نه کاری است خرد  
 جان گرامی به پدر باز داد  
 کالبد تیره به مادر سپرد  
 با اندک تغییری از رودکی است ۲۳  
 ۲۴- شعر ص ۸۶،  
 گفتمی به من که پیر شوی ای پدر بیا  
 نفرین که در لباس دعا کرده ای به بین  
 از سعید خرقانی است ۲۴  
 ۲۵- شعر ص ۸۷،  
 صد خانه اگر به طاعت آباد کنی  
 صد خانه اگر به طاعت آباد کنی  
 گر بنده کنی به لطف آزادی را  
 به زان نبود که خاطری شاد کنی  
 به زانکه هزار بنده آزاد کنی  
 از علاءالدوله سمغانی است ۲۵  
 ۲۶- شعر ص ۸۶،  
 گفتم دل و دین بر سر کارت کردم  
 گفتا تو که باشی که کنی یا نکنی  
 از مولوی است ۲۶  
 ۲۷- شعر ص ۸۷،  
 ز فردا و ز دی کس را نشان نیست  
 یک امروز است ما را نقد ایام  
 از نظامی گنجوی است ۲۷

- ۲۸- شعر ص ۸۷،  
مرد تمام آنکه نگفت و بکسرد  
آنکه نگفت و نکند زن بود  
از شمس تبریزی است ۲۸
- ۲۹- شعر ص ۹۰،  
حدیث عقل در ایسام پادشاهی عشق  
از شیخ سعدی است ۲۹
- ۳۰- شعر ص ۹۲،  
نفس می‌نیارم زد از شکر دوست  
از سعدی است ۳۰
- ۳۱- شعر ص ۹۲،  
بروز نیک کسان گفت غم مخور زنهار  
از رودکی است ۳۱
- ۳۲- شعر ص ۹۵،  
من نمی‌گویم سمندر باش یا پروانه باش  
از مرتضی‌قلیخان سلطان است ۳۲
- ۳۳- شعر ص ۹۶،  
درم‌داران عالم را کرم نیست  
از سعدی است ۳۳
- ۳۴- شعر ص ۹۶،  
دیدم که خون ناحق پروانه شمع را  
از حکیم شفائی اصفهانی است ۳۴
- ۳۵- شعر ص ۹۷،  
عصا از راستی هر دم به‌گوش‌پیر می‌گوید  
از واعظ قزوینی ۳۵
- ۳۶- شعر ص ۹۸،  
پروانه سوخت شمع فرو مرد شب گذشت  
از مهدی سهیلی است ۳۶
- ۳۷- شعر ص ۹۹،  
راه تو بهر قدم که پویند خوش است  
روی تو بهر چشم که بینند نکوست  
از ابوسعید ابوالخیر است ۳۷
- ۳۸- شعر ص ۹۹،  
عشق‌بازی را چه خوش فرهاد مسکین کرد و رفت  
از فرخی یزدی است ۳۸
- آنکه بگفت و نکند نیم مرد  
نیم زن است آنکه بگفت و نکرد
- چنان شده است که فرمان حاکم معزول
- که شکری ندارم که در خورد اوست
- بسا کسا که بروز تو آرزومند است
- چون ب فکر سوختن افتاده‌ای مردانه باش
- کرم‌داران عالم را درم نیست
- چندان امان نداد که شب را سحر کند
- دگر درم خواب خواهی دید ایام جوانی را
- ای وای من که قصه دل ناتمام ماند
- وصل تو بهر صفت که جویند خوش است  
نام تو بهر زبان که گویند خوش است
- جان شیرین را فدای جان شیرین کرد و رفت

- ۳۹- شعر ص ۱۰۲،  
می گرچه حرام است ولی تا که خورد  
هرگاه که این چهار شرط آید جمع  
از خیام است ۲۹
- ۴۰- شعر ص ۱۰۳،  
بهر چمن رسیدی گلسی بچین و برو  
از عبدالعزیز ترکستانی است ۲۰
- ۴۱- شعر ص ۱۰۳،  
چو دانا ترا دشمن جان بود  
که یار جوان شرب شیرین سخن  
از حکیم ابوالقاسم فردوسی است ۴۱
- ۴۲- شعر ص ۱۰۳،  
پشه با شیبزنده داری خون مردم می خورد  
زینهار از مردم شبزنده دار اندیشه کن  
از صائب تبریزی است ۲۲
- ۴۳- شعر ص ۱۰۲،  
چند خواهی پیرهن از بهر تن  
تن رها کن تا نخواهی پیرهن  
از قآنی است ۲۲
- ۴۴- شعر ص ۱۰۴،  
این تراشیدن ابروی تو از تندی خوست  
از درویش دهکی است ۲۴

اکبر قلم سیاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### یادداشتها

- ۱- بهترین اشعار مرحوم پژمان بختیاری ص ۳۳۸.
- ۲- امثال و حکم علامه دهخدا ج ۳ ص ۴۹.
- ۳- گلزار ادب ص ۳۸۴.
- ۴- دیوان هلالی جغتائی چاپ مرحوم سعید نفیسی ص ۱۶۳.
- ۵- گلستانک اویسی ص ۳۸۸.
- ۶- دیوان صحبت لاری چاپ معرفت شیراز ص ۵۲.
- ۷- دیوان محمدقلی سلیم تهرانی ص ۵.
- ۸- کلیات سعدی شیرازی چاپ درویش ص ۵۶۷.
- ۹- کاروانی از شعر ج ۴ ص ۲۹.
- ۱۰- گلزار ادب ص ۱۵۳.
- ۱۱- گفتگوی در شعر فارسی ص ۳۵۵.

- ۱۲- کاروانی از شعر ج ۷ ص ۱۹۸.
- ۱۳- گلچین معانی ص ۴۷۳.
- ۱۴- دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و دکتر غنی ص ۱۱۰.
- ۱۵- گلچین معانی ص ۶۱۰.
- ۱۶- دیوان قآنی چاپ سنگی در صفحه ۹ این کتاب راجع به این بیت چنین نقل شده است: «وقتی می‌خواستند در همسایگی خانه حکیم مسجدی بسازند بواسطه کمی جا مجبور می‌شوند بستوی منزل حکیم را هم جزء مسجد کنند چون خراب می‌کنند می‌بینند در طاقچه‌های آن شیشه شراب گذارده حاج میرزا مجملی برادر قآنی به حکیم پرخاش کرده و او را از نگهداری شراب سرزنش می‌کند قآنی در پاسخ می‌گوید:
- شرابخانه ما را بین و پایه آن  
که چون خراب شود خانه خدا گردد»
- ۱۷- ریحانة الادب ج اول ص ۲۵۲.
- ۱۸- امثال و حکم ص ۱۹۸۷.
- ۱۹- دریای گوهر ج ۳ ص ۶۱.
- ۲۰- گلزار ادب ص ۲۸.
- ۲۱- امثال و حکم ص ۷۹۷.
- ۲۲- گفتگو در شعر فارسی ص ۳۷۶.
- ۲۳- لباب الالباب عوفی چاپ لیدن ج ۲ ص ۸ به نقل از غزلیات شمس ج ۲ ص ۲۵۸.
- ۲۴- بهترین اشعار مرحوم پیرمان بختیاری ص ۸۴۵.
- ۲۵- آشکده آذر ج ۱ ص ۴۱۱ به تصحیح دکتر حسن سادات ناصری ص ۳۷۲.
- ۲۶- گفتگو در شعر فارسی ص ۳۷۲.
- ۲۷- خسرو و شیرین نظامی گنجوی به نقل از بهشت سخن ج ۲ ص ۳۱۶.
- ۲۸- امثال و حکم ص ۱۵۱۴.
- ۲۹- کلیات شیخ سعدی چاپ م. درویش باب هشتم شکر بر عاقبت ص ۳۷۵.
- ۳۱- گنج سخن دکتر ذبیح‌الله صفا ص ۸.
- ۳۲- گنجینه سهیلی ص ۳۱۱.
- ۳۳- کلیات سعدی به تصحیح م. درویش ص ۱۹۳.
- ۳۴- آشکده آذر ج ۳ ص ۹۹۳.
- ۳۵- گلبانگ اویسی ص ۳۵۶.
- ۳۶- کاروانی از شعر ج ۱ ص ۱۸۰.
- ۳۷- ریاض العارفين ص ۴۹.
- ۳۸- دیوان فرخی یزدی چاپ حسین مکی ص ۷۲.
- ۳۹- گلستان ادب ص ۱۳۰.
- ۴۰- گلچین معانی ص ۶۱۹.
- ۴۱- به نقل از کشف‌الایات شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی از دکتر محمد دبیرسیاقی (۱۱۴۲-۴۱)، (۸۳-۴۳).
- ۴۲- دیوان صنائب ص ۷۳۱.
- ۴۳- امثال و حکم ص ۶۲۱.
- ۴۴- گنجینه سهیلی ص ۷۸.